

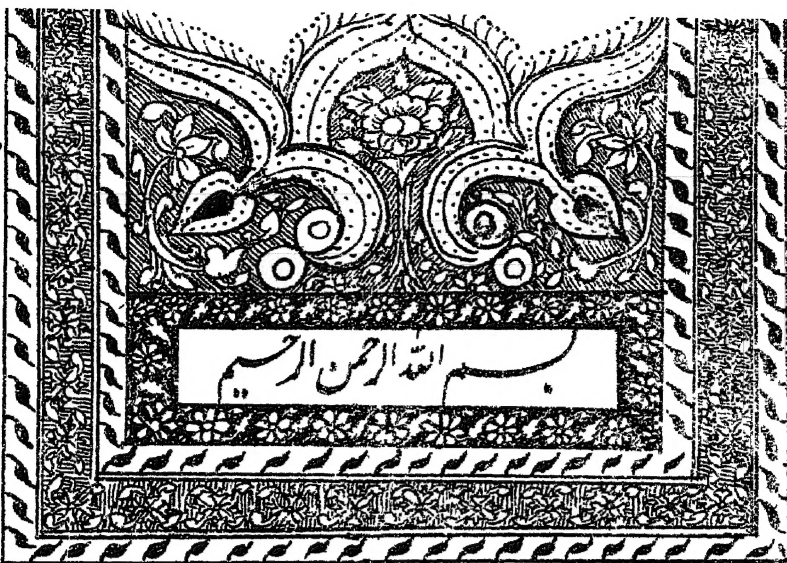
کے مَحَلِّ ہَافَانِ

مجلد تعالیٰ تہذیب سالہ ہذا مصطفوی



بغزہ محرم الحرام ربیع مطہر قزوینی طبع شد

وَبَشِّرْ جِبْرِیْلَکَ ذَوِ الْجَلَالِ



مورخان ازلی را عتود نتایج افکارات مکمل در مقدمات تواریخات حمد و ثنای
 حق عزوجل لایمیل است و معادان ابدی را بقصور و خیالات مطول اندرین باب
 از اسباب تخلف و تدخّل در رد و بدل و همین حال است که کائنات ایشان در ماده
 تواریخ نفوآت منفخر موجودات علیه الصلوة و التحیات خالی نباشد از تئیم پر علل
 و معاصحاب و آل مجتنب منوال است که اکثر تجسس و فکر او شان در شان سنن
 افاضات الما بعد میگوید کمترین بندگی خلق محمد عبید الرحمن الموعود بعد از الله
 که این چند اوراق در باره تاریخ بار آفاق است و نیز از سنینها را انبیا و اولیا شرف
 و مصنفان شعرا و ائمه اسلف و خلف مخفی بالحق که از کتب متعدد و متفقدین
 فراهم کرده و از اشعار و انشا را تا آخرین ایام شمس قمری بهم آورده است
 تیمار تاریخ جهانی ۱۷۷۹ که نام در تاریخ پر دو سادی است گویند
 حکما و پند که حق سبحانه و تعالی و الثانی در جهانم خانی چهل و سه ک و بست هزار سال
 شمسی یکدور با فربه که شمس بر چهار قرن است قرن اول رشت جگ نام که مدت
 ۱۷۷۸ هجده ک و بست و بست هزار سال بوده است و قرن دوم را

مرتباً نام که مدت آن ۱۲۹۴۰۰۰ دوازدهک و نود و شش هزار سال بود
 قرن سوم را دو و آنیز نام باشد مدت آن ۶۴۲۰۰۰ شصت و یک و شصت و یک
 هزار سال بوده است قرن چهارم را یکی جنگ نام است ابتدای آن مگر بدی اماوس
 یعنی بست و بیستم ماه که آفتاب در جدی بود و این زمان عمل اوست مدت آن
 ۲۷۳۲۰۰۰ چهارک و سی و دو هزار سال است تا این مدت پنجاه مدت
 کل جنگ ۲۹۲۱ چهار هزار و نصد و بیست و شصت سال گذشته و ۲۲۷۰۷۲۰
 چهارک و بیست و نیت هزار و بیست و دو سال باقی مانده هرگاه که باقی کلجک تمام
 خواهد شد دور دیگر بترتیب مذکور اگر خدا خواهد شروع خواهد شد و الله اعلم
 تاریخ بنای عالم تخمیناً تا این دم ۸۹۴۸۱۵۵۱۹ نوزده کرور و
 پنجاه و پنج لک و هشتاد و چهار هزار و نصد و شصت و شصت سال شش گذشته
 تاریخ حضرت آدم علیه السلام تا این دم ۷۲۰۴ هفت هزار و دویست و
 شش سال شش گذشته تاریخ طوفان نوح علیه السلام ۲۹۴۲
 چهار هزار و نصد و شصت و چهار سال شش گذشته تاریخ ابراهیم علیه السلام
 ۲۲۵۲ چهار هزار و دویست و پنجاه و دو سال شش گذشته و تاریخ
 موسی علیه السلام ۱۷۹۳ سه هزار و یکصد و بیست و دو سال شش گذشته
 تاریخ داود علیه السلام ۳۵۸۳ سه هزار و پنجاه و هشتاد و چهار سال
 از سالهای شش گذشته

بیان تاریخ بحری نبوی

اسامی مشهوره مشهور قمری طالی که در تاریخ عرب متداول باشد این است محرم الحرام
 صفر المظفر ربیع الاول ربیع الثانی جمادی الاول جمادی الآخر رجب المرجب شعبان المعظم

احسان الباریک شوال المکرم ذی قعدہ ذی الحج چون عشب ابتدای ماه از روز دوم رویت یلال گریه
 از اغره نماند و بروز رویت یلال منشی نمایند و لغز روز را صلح گویند و در هر سال شش ماه ازین
 شهر یلالی سی روزه باشند و شش ماه بخت و نه روزه پس گامی مدت دوازده شهر یلالی
 سه صد و پنجاه و چهار روز باشد و بعد این تاریخ بحری از زمان هجرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
 از مکہ معظمه مدینه نموده است لهذا سال این تاریخ را سنه بحریه نامند و در وقت تحریر این رساله
 پنجاه و دو صد و بیست و نه سال است و صاحب جناب البلدان آورده است که سبب وضع
 تاریخ بحری آنست که ابی موسی اشعری که حاکم مین بود در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه نامه
 نوشت که از جناب شما مکاتیب که بمن صدور نمائید تاریخش معلوم نمیشود که کدام وقت نوشته
 شد باید که باریک اگر نامه بمن نگارند بتعین تاریخ آن باید پرداخت پس عمر رضی الله تعالی
 باصحاب پیغمبر علیه الصلوٰه والسلام بجهت وضع تاریخ مشوره داد بعضی گفت که بنابر تاریخ بروفات
 سرور کائنات باید نهاد که و اتو معظم بود عمر رضی الله عنه این را پسند نکرد که مرا ازین امر بسبب یاد
 وفات آن حضرت بر لحظه غمتان روز خود داد و بعضی گفتند که بنابر کار مبعوث آن سرور موجود است
 باید ساخت این معنی را نیز نه پسندیدند که ازین اندود و ايام زیاده خواهیم کشید زیرا که در آن وقت
 بحدوات گرفتار بودم بر گاه که تاریخ کفر خودم باید خواهد آمد بشکجه سوم خواهیم کشید پس این عقده
 بخیل مرقوم ساخت جناب امیر المومنین علی مرتضی رضی الله تعالی عنه فرستادند آنحضرت اشارت
 بهجرت فرمودند پس بنا بر اشارت آنحضرت مبدأ تاریخ از هجرت نمودند و هجرت ابتدای طغره
 حضرت و قوت اسلام بوده از آنوقت روز بروز دولت اسلام ترقی پذیرفت و هجرت عبارت
 از تشریف نمودن خیر البشر از مکہ معظمه بسبب اذاکه را بسوی مدینه منوره بنابر تاریخ بست و ختم
 اصغر و داخل شدن مدینه بدواز دهم شهر ربیع الاول و این تجويز تاریخ بحری بسال بغدادیم بود
 است از هجرت چنانچه بوقت معین کردن تاریخ بحری هجده سال بر هجرت گذشته بود چون

کرد و آن نفسانی خود را شیطانی ای ... بنده با التوبه و الاستغفار رنجیده نم کرده شد
 گناه او بنور دل و استغفار کفایت ای نعم جنت خفا به جلیه بنده ... از مرئی
 کلام کرده نخره پس بول شد توبه او سعفص ای انداق علیه الدنیا فیما فیها
 عید یعنی تنگ شد برو دنیا پس رنجته برو قرشت ای اقر بنده شرف
 بالکرامته یعنی اقرار کرد بگناه خویش پس شرف بکرامت بافت شجذ ای اند
 شد موت یعنی گرفت از عن تعالی قوت را مضطغ ای ... منزع الشیطان
 بالغیرت یعنی بند شد از نزع شیطانی ... کلام خود در توبه و بعضی
 ... مجاد نام پادشاهی بود ... بحد مخفف آنست و صفت کلمات باقی
 اسما صفت فرزندان اوست چنانچه در صراح و غیره تصریح آن کرده اند و بعضی
 نوشته اند که مراد نام مرد بود که خط نوشتن ایجاد اوست اینست کلمات
 اسمای پشت فرزندان اوست و در رساله ضوابط نظام معنی پشت الفاظ
 کموره چنین نوشته اجد آغاز کرد بوز در پوست حقی واقف شد کلین سخنگو
 شد سعفص از او آموخت قرشت ترتیب کرد شجذ نگاه داشت مضطغ تمام کرد غیاث
 از کلمات محسرت

<p>آنکه صورت نمائی حالات ازین وادوار اشعار تواریخ ندرت شعاع تواریخ وفات و تصریح اسم شریف آن حضرت صلی الله علیه و سلم</p>	
<p>چون شفیع الوری به حکم خدا عمر آن شاه قبله آمل روز مود و نقل آن محمود لیک تاریخ آن شفیع احم</p>	<p>شده دار الفنا بقصر قس ابن عباس گفت شصت و سه سال گفت شاه بخف دو شنبه بود از ربیع یکم دوازدهم</p>

از محسوس زبانه خالی ماند	سال نقاش خبر در بغیر خواند
جان زوین رفت و دین زدنیاشد	سال نقاش چنین غم افزاشد
حیف بے اسم دست دین خالی	شد رقم سال نقل آن عالی
بدن در دمنده جان حسرتین	باز گو سال نقل آن شمع دین
زان سبب ز انبیا عروج نمود	احمد را انبیا سر آمد بود
زندگی رفت بیشک از اصحاب	باز تاریخ نقل او در یاب
روح اکبر ز اهل بیت گذشت	سال نقاش ز عقل ثابت گشت
که شده حیف از عجم ایما	گفت تاریخ نقل او در ضو
مانده صد حیف بے کرام عرب	سال نقاش بخوان بر رخ لقب
مکه شد از فراق او بے جان	باز تاریخ نقل او هر خوان
کز دین بد شد بنی الله	سال نقاش بگو بناله و آه
شده تاریخ در ز دریاشد	چون شغی الوری زدنیاشد
بلکه کویم که جان زدنیاشد	توان گفت در ز دریاشد

تواریخ رحلت و تصریح عمر حضرت صدیق اکبر رضی

یار مخیر خدا بوده	آنکه او صادق الوری بوده
بود بے اشتباه شصت و سه سال	عمر آن شاه صادق الاقول
چند ماه و دو سال ماند سیر	بر سر خلافت از تقدیر
روز فوتش چهارشنبه گفت	آنکه تاریخ او چو گوهر سفت
که بهار الله نقل نمود	ابست در راه حمادی آخری بود
در سن ۶۰ رفت صاحب جود	عقل بهار وصال اوست نمود

قبر او جنب قبر پیغمبر

تاریخ رحلت زید بن اسلم

شب و غره محرم بود	سفر نقلی زین جهان فرمود
بسکه در عدل سعی و کوشش بود	بسیار هم فسال گذر نمود
سال نقلش خسرو بخت نداشت	در آن یکس ماند

تاریخ رحلت زید بن اسلم

چونکه او دال خیده دستان بود	در آن سال نقلش قسم نمود
سال نقلش بگو بر دروالم	در آن سال و حیا شد از عالم

تاریخ رحلت حضرت علی رضا

آنکه زوج بول حق بوده	این ستم رسول حق بوده
اگر تو سال شهادتش حواری	ما تم چه سمرانی گوئی
این سخن لبس بود بجا غم	در آن ستم این ما تم
باز سال شهادتش که جلی است	بسیار هم خسرو حرف علی است

تاریخ رحلت حضرت فاطمه زهرا

فاطمه آنکه سید مدنی	برگزیدش به نبضه منی
سال فوتش به تقیبه مدنی	در آن سال و دنیا به ماتش بیجان

تاریخ تولد و رحلت ادهم حسن رضا

حسن آن پادشاه کون مکن	ایست او ابو محمد دان
مقلی سال ولادت آن شاه	بسیار هم حرف خشت لبم الله
لیک از رویه جتلاف بگو	سرم جان است سال زادین او

چند

چند

چند

چند

چند

چند

سال مولود آن سعید و رشید	عقل با صد نشا گفت مجید
سال شفق آن شه دوران	دلف غیب گفت باز جهان

سال شفق آن شه دوران
سال شفق آن شه دوران
سال شفق آن شه دوران

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام جعفر صادق

آنکه ابو جعفر صادق	لقب اوست ثابت و وثاق
سال مولود آن شریف و نجیب	دلف از اوج عرش گفت طیب
آنکه ابو جعفر و دوران	سال نقلش سه جهان بر خوان

سال مولود آن شریف و نجیب
سال مولود آن شریف و نجیب
سال مولود آن شریف و نجیب

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام موسی کاظم رضی الله عنه

آنکه موسی کاظم نام است	قدوه روزگار ایام است
خلق را مددی خفی و جلی است	سال مولود او امام دلی است
ملک العرش و مورخ سلسله برینا	سال نقلش گفت عمده دین

سال مولود او امام دلی است
سال مولود او امام دلی است
سال مولود او امام دلی است

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام علی موسی رضا رضی الله عنه

آن امام زمان علی رضا	نام دخی و مهدی رجا و نسا
گفت دلف بهر ولی و نقیب	سال مولود او امام نجیب
سال ترجیل آن امام زمان	خدم گفت صاحب ایمان
سال نقلش با خلاف عوام	گفت ام صاحب جهان بانام

سال مولود او امام نجیب
سال مولود او امام نجیب
سال مولود او امام نجیب

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام محمد تقی رضی الله عنه

آن امام تقی جواد زمان	لقب اوزکی و قایع دان
در جهان بود صاحب برو و وثاق	شده سال تولدش صادق
سال سم دادن تقی زمان	دین ز مردم برون شد بر خوان

سال مولود او امام نجیب
سال مولود او امام نجیب
سال مولود او امام نجیب

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام علی تقی رضی الله عنه

آن نفی زمان امام همام	مادی خلق و پنهانی امام
سال مولود آن زروئی سند	اکمل الکمل است گفت خسرو
سال نقلش با اتفاق جهان	کوفی بود زیب دین برخوان
سال ترحیل آن امام زمان	خروم گفت زیب عدل و جان

تاریخ ولادت و وفات حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه

حسن عسکری که معصوم است	بجو آبای خویش مسوم است
سال مولود او بطف قدیر	منظر الحق قسم نمود کبیر
سال نقلش بر استی برخوان	که شده حرف رست از دورن

تاریخ شهادت حضرت امیر حمزه رضا

بیگان حمزه سید الشهدا است	که خدا و رسول پر دو گوا است
سال نقلش ز کم نه افزون شد	بابل دین از زمانه بیرون شد

تاریخ رحلت حضرت عباس رضا

در جهان بود آنکه خیر الناس	نام نامی او بگو عباس
سال نقلش بدر دوشم برخوان	
مانده آفاق خالی از سلطان	

تاریخ رحلت حضرت اولیس قرنی رضا

حمده اویا اولیس سرن	قدوه دیر مقدائے زمین
سال نقلش با اتفاق برخوان	
حیف مادی برون شده ز جهان	

تاریخ رحلت خواجہ حسن بصری رضی

حسن بصری آن خدا کا گاہ	مقتدای ہمہ ولی اللہ
حسن بصری بہت با حق دوست	اہل دین بود سال رحلت او

تاریخ رحلت حضرت خواجہ حبیب عجمی رضی

مقتدای زمانہ شیخ حبیب	عجمی بود آن عزیز نجیب
سال نقلش سرورش ربانی	گفت بودہ حبیب یزدانی

تاریخ ولادت و وفات حضرت رحمہ اللہ
امام عظیم عثمان بن ثابت ابو حنیفہ کوفی

آئندہ او بود شاہ مجتہدان	نام او بو حنیفہ عثمان
سال مولود آن شبہ والا	سر علمات یا سر فقہا
عقب تاریخ او چو گوہر سفت	سال ترحیل او معنی گفت

تاریخ رحلت حضرت امام ابو یوسف رحمہ اللہ

پیشوا زمانہ یوسف بود	نقل او موجب تأسف بود
از رجب ۱۰۰ بست و منعم بود	کہ بفر دوس رحلتش فرمود
شب آدینہ بود کان والا	رفت زین تیرہ خاکدان بالا
سال ترحیل او بلا اشباہ	گفت ہاتف امام دین الہ

تاریخ رحلت حضرت امام محمد رحمہ اللہ

مفتی شریع و دین محمد بود	تابع فات پاک احمد بود
سال نقلش کہ بزگوہر سفت	ماہ ہجری فلک ملک گفت

تاریخ ولادت و رحلت حضرت امام شافعی رحمہ اللہ

۶۰	شافعی بود فخر مجتهدین سال ترحیل او مقدس خوان	بیهمه علم و فضل و صدق و یقین سال مولود او معالی دان
	تاریخ ولادت و رحلت حضرت امام مالک ^۱	
۶۰	عارف و سالک مسالک بود گفت مائتف زیبی جواد جهان سال ترحیل او ست قدوه دین	مجتهد در زمانه مالک بود سال مولود مالک دوران بود چون رنجامه دین متین
	تاریخ رحلت حضرت امام احمد حنبل ^۲	
۶۰	شد از نو فخر مسلم و زید عل شد رقم صلب جهان اله	آنکه او بود احمد حنبل سال ترحیل آن خدا اکاه
	تاریخ رحلت حضرت سفیان ثوری ^۳	
۶۰	مرشد خاص و ربیب عام است سال ترحیل او هجای جهان	آنکه سفیان ثوریش نام است مرقد عالمیش بهر بدن
	تاریخ رحلت حضرت معروف کرخ ^۴	
۶۰	دل کرخ است سال رحلت لو	آنکه معروف کرخ است بگو
	تاریخ وفات حضرت ذوالنون مصری رحمه الله	
۶۰	قدوه اولیا و ایام است خردم گفت باز عدن و جهان	آنکه ذوالنون مصریش نام است سال شفا ران ولی زمان
	تاریخ ولادت و وفات محمد بن اسماعیل صاحب صحیح بخاری	
	بود پیشک خلیل رب جلیل زان بخاری است مختصر مدد سو	آن محمد که ابن اسماعیل چون صحیح بخاری ست از نو

در احادیث پیشوائی یمنه	در رد شرح مقتدائے یمنه
سال مولود آن خدا اککا ه	گفت مائتف مسر زین الم
سال نقلش ز اوج یفت طبق	مائتف غیب گفت قطب الحق

ع
ج

تاریخ رحلت حضرت سری سقطی

عمه اولیاستری سقطی	قدمه اصفیا سری سقطی
سال ترجیل آن ر عسفران	شده مرقوم زین عدن و جنان

ع
ج

تاریخ ولادت و رحلت عبداللہ ابو مسلم صاحب سلیم

پیشوا زمانہ مسلم بود	بکالات دین مسلم بود
سال مولود آن یگانہ و طاق	خدم گفت مادی آفاق
سال تاریخ نقل او بیشک	صاحب اہل عدن گفت ملک

ع
ج

تاریخ رحلت حضرت سلطان ابراہیم بن ادیم

پورا دیم کہ بود ابراہیم	صاحب معرفت بقلب سلیم
بر سر تخت فقر سلطان بود	بر سرش تاج نور عسفران بود
صاحب تخت بود آن سلطان	تارک سلطنت شد از دل جان
اختیار طریق شاقہ گرفت	قوت خود را بفقر و فاقہ گرفت
بشب جمعہ سال رحلت آن	عقل مصباح عدن گفت بخوان

ع
ج

تاریخ ولادت و رحلت بایزید بسطامی

محمّدی بایزید بسطامی	روح اللہ روح السامی
سال مولود آن شہنشاہ دین	سر صوفی بیان بصدق یقین
سال ترجیل آن مکمل حق	شده رقم بایزید و اصل حق

ع
ج

تاریخ وفات حسین بن منصور

شایباز بوانه عالم نور	است بیشک حسین بن منصور
سال تاریخ قتل او بیشک	قبله اس حدیث گفت

تاریخ وفات حضرت شیخ جنید بغدادی رحمه الله

معون علم و قسطنطنیه	سید الطائفة جنید است آن
بشافعی مذہب است آن عارف	بشیر از من اگر نه واقف
سال ترمذی روزیافت طبق	گفت بمقت جنید واصل حق

تاریخ وفات حضرت شیخ شبلی رحمه الله

شیخ شبلی که بحسب عرفان بود	روز تخلص به عید نسر بان بود
مالکی مذہب است آن مقبول	بیشک وریب از فروع و اصول
اسم شبلی شمار کن به یقین	است تاریخ آن سلالة دین

تاریخ رحلت حبیب صالح اللغات ابو نصر اسماعیل بن حماد الجومری

آنکه ذاتش بصد صفات آمد	جویری کاشف اللغات آمد
سال ترمذی اوزر و کس حساب	منظرا رحمه العلی دریاب

تاریخ رحلت سلطان محمود غزنوی رح

آنکه محمود غزنوی بوده	واقف ستر معنوی بوده
سال شنعار آن خدیو زمان	ماتم گفت شایباز جنان

تاریخ رحلت حضرت ابو الحسن خرقانی رح

ابو الحسن بود آنکه خرقانی	نشینم شال او ثانی
شده تاریخ صاحب خرقان	ابو الحسن زیب جا عدن و جان

تاریخ ولادت و رحلت حکیم ابوعلی سینا

آن حکیمی که بوعلی سیناست	در نیمه عسل واقف و بیناست
سال مولود او دل بینا	گفت قابل ابوعلی سینا
سال نقاش خرد عیان نهفت	رحمه الواحه العیزز بگفت

تاریخ ولادت و رحلت حضرت عبداللہ انصاری

آنکه ابودود قدوه انصار	بیکان مرشد صفار و کبار
نام آن عارف خدا آگاه	خواجہ فیض بخش عبداللہ
سال مولود و سال رحلت او	جان انصار و ایل جنت گو
سال نقاش باخلاف عباد	ما تم گفت زیب جنت دا

تاریخ رحلت حضرت امام محمد غزالی رح

آن محمد امام غزالی	صاحب کشف و رتبہ عالی
سال شفاورش از جهان دو	جاودان شایباز بدن بگو

تاریخ رحلت حضرت حکیم سنائی مولف حدیقه الحقیقہ

آن حکیم زمان سنائی بود	عالم از دے بروشنائی بود
در جهان بود افصح الشعرا	در زمان بود حسن الفصحا
از تصانیف او حدیقه بدان	بگل و میوه دقیقه بدان
سال نقاش بر تبه و مکت	گفت ما نفوزنی گل جنت

تاریخ رحلت جبار اللہ زنجشیری صاحب التفسیر

آنکه او بود صاحب کشاف	دلش از کینه و کدورت صاف
نام نامی اوست جبار اللہ	جعل اللہ فی الجنان مشوا

۵۳۳

۵۳۴

۵۳۵

۵۳۶

۵۳۷

۵۳۸

۵۳۹

سال نقلش ملک بهشت و دنیا	از در قسم رسته العلی الحق
تاریخ ولادت و رحلت حضرت سید عبدالقادر جیلانی	تاریخ ولادت و رحلت حضرت سید عبدالقادر جیلانی
آمد به شک قلب ربانی بود	بنیان محبوب سبحانی بود
شاه شاهان شیخ عبدالقادر	دلنشین و دلربا و دلبرست
سید و عالی نسب در اولیا	نور چشمی مصطفی و مرتضی
سال مولودش زواج کبریا	گفت هاتف زیب تاج اولیا
سال مولودش که پس از کنیز	شد قسم محبوب عبدالقادر
عقل سال نقل آن عالی شیم	صاحب فردوس عالی ز درقم
سال مولود آن معلی شان	هاتف گفت کاشف دو جهان

تاریخ وفات مولوی نظامی گجوی در

شیخ دینا و دین نظامی بود	قدوه اولیای نامی بود
مکمل راجح دین شده حاصل	لطیف وجود آن کامل
خسته شوی ز خفیف شر	برتر از هر عقل تالیف شر
سال نقلش بهشت و مکت	شد رقم گجوی گل حبت

تاریخ رحلت خاقانی رح

افضل الدین امام خاقانی	خلف ابوعلی مشروانی
عمده اولیای شاعر بود	زبدۀ انصاف و نصحا بود
شافعی نیست آن مقبول	اندرین نیست گفت و گوی مغفول
سال پنج نقل او ضول	گفت طوطی حبت حق خول

تاریخ رحلت امام محمد الدین رازی رح

آن امامیکه خزاری بود	روز جمعه زده نقل نمود
ماه تر حیل آن مستوده نضال	سایان بود غسره شوال
سال تر حیل نقل آن خوشرو	عمده اهل حنبت است بگو

۴۳۵

۴۳۶

تاریخ رحلت شیخ فرید الدین عطار

شیخ عطار حق فرید الدین	آفتاب سپهر دانش و دین
عمر او یکصد و چهارده سال	بود از لطف ایزد تعالی
سال تر حیل آن در دوران	قبله اهل حنبت است بدان

۴۳۷

تاریخ رحلت حضرت نجم الدین کبریا

آنکه خورشید پیش او صغری	اللقب به نجم الدین کبری
نیم ماه رصوم و شنبه بود	که ز دنیا بجلد غسرم نمود
سال تاریخ نقل آن محمود	خردم مقتدا دین ز بود

۴۳۸

تاریخ حضرت شیخ شهاب الدین سهروردی

عمده اهل صلیب شهاب الدین	عمده الکاملین شهاب الدین
سال مولود او بدان تقنین	الکمل اولیا شهاب الدین
شد رقم سال نقل آن والا	زیب داده بکبت علی
باز از روی اختلاف جهان	جمعه و غره محرم دان
سال نقلش بگفت ارض و سما	ساکن اوج حنبت والا

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

تاریخ حضرت خواجہ حسین الدین حشمتی

فضیلت بخش جهان بعلم و عین	خواجہ حق بنما معین الدین
روشن نمادان حنبت از دوست	زینت لادنه بنبت از دوست

سال نقش بخت و تمسکین	گو سراج جهان معین الدین	۳۳۳
تاریخ حضرت شیخ محی الدین بن عربی رحم		
لقب خاص اوست محی الدین	مرشد کاذ زمان و زمین	۳۳۳
مقدم بود از مدینه	که در آفاق شد چو خورشیدان	۳۳۳
چون شد از ثانی محی الدین	سال مولود او به ثانی بن	۳۳۳
شمار قم سال نقل آن سامی	قدس الله سر الساعی	۳۳۳
تاریخ خواجه قطب الدین بختیار کالی رحم		
فیض بخش جهان بصیر و یقین	قطب افاق خواجه قطب الدین	۳۳۳
عقل تاریخ نقل آن محمود	آب حیات قطب دین فرمود	۳۳۳
تاریخ حضرت شمس الدین تبریزی رحم		
عارف به نظیر شمس الدین	شهر تبریز مستنشین یقین	۳۳۳
سال تاریخ نقل او رفوان	ز در قس شمس اوج و چون	۳۳۳
تاریخ حضرت شیخ فرید الدین گنجشکر رحم		
افتخار زمان و محزون	شیخ دنیا و دین فرید الدین	۳۳۳
سوز تر حیل آن شبهه دزدان	کاندرین نیت در شک و گمان	۳۳۳
سال شفا را و خلیل آمد	بر کمالات او دلیل آمد	۳۳۳
تاریخ حضرت جلال الدین رومی صاحب مشنوی		
آنکه مولای روم و اهل یقین	نور کون و مکان جلال الدین	۳۳۳
سال مولودین به آگاه	شد قسم آفتاب عالمیاه	۳۳۳
شبهه تاریخ نفس او بجم	بمشیک و زیب از جاد دوم	۳۳۳

سال نقلش از اج موقت طبق	ما تقم گفت قطب جنت حق
تاریخ رحلت فخر الدین محمد رافعی راج	
عارف بے نظیر فخر الدین	آقا عراقی ست نام آن بختین
سال تاریخ نقل آن مرحوم	از خرد جان فکد شد مرحوم
تاریخ رحلت شیخ مصطفی الدین سعدی شیرازی راج	
که سعدی که عارف حق بود	یکصد و بیست سال عمر بود
بش جمیع تنجیم شوال	شد بغداد و آن ستود خصال
چون ز خاصان حقیقی بود	خاص تاریخ او کمال فرمود
شیخ سعدی چون شد مسکین	شدر قم عند کلب کلش عدل
تاریخ رحلت حضرت ناصر الدین قاضی بیضاوی راج	
آنکه او بود قاضی بیضا	نور الله صدره ابد
ذات عالی او نفس بود	عالی را به علم راه نمود
سال نقلش بخوان بدر دخت	نام از یاد سر شدت جدا
لیک تاریخ آن بخش و در	مشهد الحق اخضر رسم نمود
تاریخ رحلت حضرت سید محمد باقر حائری راج	
بهر عرفان و علم میر سین	فخر کونین و شجر تعلین
نزهه باب آن صفت ز تالیف	زاد و کشته از نور تصنیف
عقل تاریخ نقلش از دم قدر	گفت عجزی قاف عالم قدس
سال ترحیل آن مجتهد	ما تقم غیب گفت قطب است
تاریخ رحلت حضرت شیخ نظام الدین راج	

۶۷۷

۶۷۸

۶۷۹

۶۸۰

۶۸۱

۶۸۲

۶۸۳

۶۸۴

۴۴۵	انظام زمان و اهل زمین سال ترحیل آن ستوده بیستم	شیخ عالی القاب نظام الدین از خود زبده بیست رقم
تاریخ رحلت حضرت امیر خسرو دهلوی		
۴۴۵	خسرو دهلوی به حکم خدا عمر شصت و پنج سالش بود	بشب جمعه شد ز دارش کمان زبان شد بدگره معبود
۴۴۵	بزرگم بود از م سوال خسرو دهلوی بستی بود	که گذشت ازین جهان طلال سال نقاشی که که بستی بود
۴۴۵	سال نقاشی خسرو دهلوی نیست باز شکر مقال طوطی گفت	سال نقاشی که که بستی بود
تاریخ رحلت امام یافعی قطب کمره		
۴۴۵	آن امامیکه یافعی بوده سال ترحیل آن ستوده بیست	تابع راه شافعی بوده خردم قطب اوج خلد نوشت
تاریخ رحلت حضرت شیخ نظیر الدین چراغ دلو		
۴۴۵	انکه دتش چراغ راه یقین ذات او را چراغ دهلوی دان	امام نامی او نصیر الدین بلکه خورشید بر دو عالم خون
۴۴۵	خدا در دنیا چون آن نصیر دان سال نقاشی مه بیست بدان	سال نقاشی مه بیست بدان
تاریخ رحلت حضرت سید علی حسینی		
۴۴۵	جهانی است سید همه دان شماره سال نقل آن والا	اسم ساسی او علی همان قطب عالی جنت علی
تاریخ رحلت حضرت خواجہ بہاؤ الدین نقشبندی		
۴۴۵	پیشوا طریق صدق یقین	نقشبند حجاب بہاؤ الدین

سال تاریخ نقل آن محسوب	خدم خاص اهل دین فرمود	۱۰۹۸
تاریخ حضرت خواجہ حافظ شیرازی رحم		
انصوح به نظیر شمس الدین	طوطی سبز زار خلد برین	
بلبل اشیان گلشن راز	بگمان است خواجہ شیراز	
بود غیب اللسان حکم خدا	نور الله صدره ابدًا	
ساکد و عارف محقق بود	حافظ و عالم مدقق بود	
گفت تاریخ نقل آن عارف	طوطی خلد بگمان باقی	۱۰۹۹
تاریخ رحلت حضرت سید جلال بخاری الملقب بمخدوم جهانیارم		
سید نظیر و به مانند	مصطفی رحمت بگمان فرزند	
دلش از حرص و از هوا سرد است	لقبش در جهان جهان گرد است	
جد او سید جلال آمد	ذات او مصدر کمال آمد	
به بخارا چشم بدون او است	بخارا شرف ز نسبت او است	
او به شبیه با کمال علوم	جهان و جهانیان محسوم	
سال شنقار آن عزیز جهان	گفت باقی تمام خلد و جهان	
سال ترجیل آن خدا آگاه	گفت عنوان گل شست اله	
تاریخ رحلت امیر الفضا کمال محمدی رحم		
آن مخندیکه نام او است کمال	بکمال سخن نداشت مثال	
سال شنقار آن فصیح عجم	ز دود و عنده لب خلد رسم	
تاریخ صاحب قرآن اول امیر تمور کویرگان انار الله برکاته		
آنکه او صاحب قرآن بوده	میر تمور نام آن بوده	

منه

سال ترجمان آن شمس مغفور	شد و قسم والی جان نمیدور
تاریخ ملا سعد الدین نقی زانی صاحب مطول	
فازم علم و جود بامشکین	فاضل بے نظیر سعد الدین
گلشن چار باغ نقی زان	نور شمع و چسبای نقی زان
مختصر نقطه ز تصنیف	هم مطول خط ز تالیف
سال ترجمان و نقل سعد الدین	بیگمان از کمال صدق و یقین
بر عین خلق روشن است و عیان	منظره صاحب بهشت بخوان
تاریخ علامه میر شریف علی جرجانی رم	
فاضل بے نظیر میر شریف	جسم او بمجود بود لطیف
شرح و تحقیق علم منطلق زوت	بیگمان شایع موقوف است
سال نقاشی گویشت مکان	بیا تو قطب بهشت اوراد
تاریخ رحلت حضرت شیخ مغربی رم	
آنکه او شیخ مغربی بوده	مخدرات حق و نبی بوده
سال نقاشی گویا اکر اه	آنکه الله رفیع الجنان مشعرا
تاریخ حضرت شیخ گیسو دراز رم	
آنکه سید محمد شمس نام است	بیگمان پیر اهل ایام است
حالی را کشید از چه از	برسنهای گیسو دراز
سال نقاشی که بمجولو سفت	عقل مخدوم دین و دنیا گفت
تاریخ حضرت شمس نعمت الدولی رم	
آنکه روشن تر از خورشید است	است کوفتن نعمت الله است

ضمه

منه

منه

منه

زنده خاندان صدق و صفات نقل او آفتاب فردوست	نور و دودمان آل عباس است آنکه مفتاح باب فردوست است
تاریخ حضرت بدیع الدین زنده شده مدارج	
حکم فرمائی ملک عقیقی بود نامدار جهان بدیع الدین بصد و لبست پستال شمار شمس دنیا و دین بدیع الدین عقل قطب الدار جنت گفت	آنکه قطب دار دنیا بود شاهباز رواق علین عمر آن شاه مطلع الانوار شده سال طلوع آن عقیقین سال ترجیل او عیان و منفعت
تاریخ ناصر الدین عبید الله احرار جرج	
خواجده حق ناصر عبید الله شرف خاندان احرار است سال مولود آن خدا مین صو خواجده عابدان عبید الله	مظفر فیض و فضل و لطف اله عزت دودمان ابرار است از زبان مسروش حق بشنو سال نقاشش بگو بلا اشبا
تاریخ رحلت مولانا عبد الرحمن جامی رح	
بجالات علم نامی بود عدد جام شد رقم بر خوان جامی بهشت عدن بگو	افصح به نظیر جامی بود همه تصنیف آن معنی شان ماقم گفت سال رحلت او
تاریخ وفات ملا حسین واعظ کاشفی رح	
آنکه گنج معرفت در مخزن دلها کشفش تاریخ نقوش حیات حجاب	ناصر و فیاض مولانا حسین کاشفی دیدمش در رفته بر سر عرش آینه

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰	گفت چون شد ازین بنبر عزم مقام	از بے تاریخ نیکو بنبر اعز شمس باد
	تاریخ شاه علاء الدین مجذوب اکبر آبادی رح	
۱۰۰	عارف راه حق بعالم یقین	شاه عالی نسب علاء الدین
	لفظ مجذوب با علاء الدین	ضم کن و سال انتقالش بین
	تاریخ حضرت سید محمد غوث گوالیار رح	
۱۰۰	سید الاولیاء محمد غوث	سید الاتقیاء محمد غوث
	سال نقلش به تقیہ رضوان	غوث بے لوث ز در قسم برخوان
	تاریخ حضرت شیخ احمد مغربی رح	
۱۰۰	شیخ احمد که مغربی بودہ	صاحب علم موہبی بودہ
	قطب حق بود عسرا و از حق	عدد قطب شد بہ نیک نسق
	سال نقلش سر و شغیب نوشت	جاوداں جا احمد اوج بہشت
	تاریخ حضرت شاہ علی بکراتی رح	
۱۰۰	سید نظیر شاہ علی	منظر ذات پاک لم یزلی
	سال نقلش ازین سراچہ نوشت	خودم گفت نور اوج بہشت
	تاریخ حضرت شیخ علی متقی بکراتی رح	
۱۰۰	اکمل او فادای حق و حقی	متقی زمانہ شیخ حسی
	سال ترحیل او رسم افتاد	وارث الانبیا بحق جان داد
	تاریخ حضرت شہید العفو رح	
۱۰۰	شاه عالم کبور مجذوب است	ماہ عالم کبور مجذوب است
	سال نقلش کہ حسن و خوب است	گفت با تقی کبور مجذوب است

تاریخ رحلت حضرت شیخ سلیم سیاح	
عارف فی نظیر شیخ سلیم	مرشد و رہنمای مفتی قلیم
سال ترحیل آن ولی کریم	ہاتھم گفت بدر خلد سلیم
تاریخ رحلت حضرت شیخ جمال تہانسی سیاح	
عارف ذات ایزد متعال	قطب وغوث زمانہ شیخ جمال
ذات اد بود از قدم تاسر	گل خورشید باغ طہانسی
سال ترحیل آن ستودہ جلال	شد رقم در بہشت جہا جلال
تاریخ رحلت شیخ وجیہ الدین گجراتی سیاح	
قدوة الاصفیا وجیہ الدین	عالم حق نما وجیہ الدین
عقل تاریخ نقل آن بنوشت	علوی صاحب جہان بہشت
تاریخ رحلت حضرت شیخ فتح اللہ حسینی سیاح	
عارف و سالک خدا آگاہ	شیخ عالی جناب فتح اللہ
سال نقلش بگو بغیر تعب	صبح اوینہ نوشتہم ز رجب
تاریخ وفات بہاؤ الدین اعلیٰ سیاح	
شیخ و عداۃ زمان و زمین	قلندرم علم حق بہاؤ الدین
سال ترحیل او بلا اکراہ	ہاتھم گفت شیخ عالیہ
تاریخ وفات میر نور اللہ شستری سیاح	
میر نور اللہ عالی انتساب	زین زمانہ بادل اکہ شدہ
سال نقلش منظر الحق زرقم	عدن جہا میر نور اللہ شدہ
تاریخ رحلت حضرت شیخ احمد سہرندی فاروقی سیاح	

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۱۰۰

آنکه او پیر خیر و مندرست	احمد کابی و سپهر ندیست
سال ترحیل آن غذا آگاه	شدر قسم شیخ بود اهل اند

۱۰۰

تاریخ حضرت امیر لاموری	شیخ میر آفتاب کشور دین
عارف راه حق به صدق و تقین	زود قسم میر جنیتی بد شک
سال نقاش ملک با وج تلک	

۱۰۰

تاریخ حضرت سید عبدالقادر بخاری	بود بنام شاه جیلانی
آنکه او را ندیده ام تا نه	عقل شریبا ز غرض اقدس گفت
سال نقاش که به زنگور سفت	

۱۰۰

تاریخ حلت حضرت شیخ عبدالحق دهلوی	فاضل بد شیخ عبدالحق
سال نقاش خود بیان و نفعت	حامی شریح و دین بد شک نسق
	بخلان بیست مرقد شگفت

۱۰۰

تاریخ حلت شیخ ناظر رم	شیخ ناظر لم عارف حق بود
سال نقاش سر د بایل زبان	کاشف راز و وقف حق بود
	گفت انسوس وقت قطب جبان

۱۰۰

تاریخ وفات حضرت ولی محمد ناز لولی	آنکه او مرشد خواص و عوام
سال تاریخ نقل هجرت او	هست او را ولی محمد نام
	منظیر الحق ولی عظم گو

۱۰۰

تاریخ حضرت شیخ محمد الدائم بادی	شیخ عرفان پیاو عالی جاه
سال ترحیل او به نیک نسق	منظور فیض حق مجب الله
	گفت قطب الشیوخ منظور حق

تاریخ وفات حضرت میرنغان اکبر لبادی		
میرنغان که نظیر دین بود	تابع خاتم النبیین بود	۱۰۶۰
سال نقاشی سر و شن نمود	میرنغان ستوده دین بود	
تاریخ وفات میر صالح کشتی رح		
میر صالح که اصل سرفان بود	صاحب کشف راز بزدان بود	۱۰۶۰
عقل تاریخ آن ستوده نژاد	گفت کشتی بخلد آب بداد	
تاریخ وفات حضرت میر الواعلام رح		
آنکه او بادل صفا بود	در جهان میر الواعلام بود	۱۰۶۰
گفت سال وصا او منظر	بوالاعلام هر جنت اکبر	
تاریخ وفات قبله کاهی ولی نعمی مرشد سید محمد رح		
سید احمد که عمده دین بود	سزت شان و فخر تملین بود	۱۰۶۰
شد رقم سال نقل آن سید	آب و رونق بخلد از احمد	
تاریخ شیخ حسین بن شیخ نصر الله ولد شیخ عبدالواحد		
عارف بنظر شیخ حسین	مرشد و پیرو دین نقین	۱۰۶۰
سال نقاشی خرد چو گوهر سفت	بحسب زین جنت گفت	
تاریخ شیخ فیروز رح		
شیخ فیروز مقتدای انام	وقف راز خالق علام	۱۰۶۰
عقل تاریخ آن ستوده سرشت	گفت فیروز زین اهل شت	
تاریخ وفات حضرت شیخ مجتبی سطار رح		
مجتبی شیخ الشیوخ حق نما	شد ز دنیا جانب دار بقا	

در مدح سال نقل او	گفت با تف مرشد من محبتی	در مدح
تاریخ وفات حضرت سید باقی رح	تاریخ وفات حضرت سید باقی رح	در مدح
میر باقی مرشد آفاق از لطف خدا	چون ازین دار الفنا شد جا بقی	در مدح
ساعت و روز و ماه سال و سال نقل	صبح شنبه پنجم شوال بانی داد جان	در مدح
تاریخ وفات حضرت اسماعیل شیخی الکرلباری	تاریخ وفات حضرت اسماعیل شیخی الکرلباری	در مدح
شیخ عالی مقام اسماعیل	بره اهل حشمت بود دلیل	در مدح
گفت تاریخ نقل او با تف	ماه فردوس و جنت اسماعیل	در مدح
تاریخ وفات شیخ الشیوخ محمد صالح مرشد مولف فخر الواصلین	تاریخ وفات شیخ الشیوخ محمد صالح مرشد مولف فخر الواصلین	در مدح
شیخ باعارف ست ربانی	از مریدان شاه جیلانی	در مدح
کنج کنج قناعتش می خوان	گل باغ تو گلشنی میدان	در مدح
عقل تاریخ نقل آن مسعود	ز در قفس اهل فیض صالح	در مدح
تاریخ وفات حضرت مولوی عبدالحکیم سیالکوٹی	تاریخ وفات حضرت مولوی عبدالحکیم سیالکوٹی	در مدح
عالم و عامل و خدا آگاه	بود عبدالحکیم رضوان جا	در مدح
سال نقلش بگو بهفت اقلیم	سکن مولوی بخلد نعیم	در مدح
تاریخ وفات طایفه مرشد در اشکوه	تاریخ وفات طایفه مرشد در اشکوه	در مدح
مقتدری زمانه ملا شاه	نور الشرفیه و شرا	در مدح
عقل تاریخ آن نیز آگاه	گفت محبوب خلد طایفه	در مدح
تاریخ وفات حکیم سرمد رح	تاریخ وفات حکیم سرمد رح	در مدح
عارف حق حکیم سرمد بود	در همه عرفان سرمد بود	در مدح
گفته ام سال نقل آن مقبول	بود مقبول سرمد مقبول	در مدح

تاریخ وفات شیخ عبدالحمید رح	
شیخ عبدالحمید عالی مرتبت	چون ازین عالم به جنت زد قدم
سال نقل آن ولی در ماه صوم	شیخ اہل عدل و ضوان زرقم
تاریخ حلت شیخ جعفر رح	
شیخ جعفر کہ مظہر دین بود	عارف حق فاد حق بین بود
سال نقلش زندہ رواق ملک	چہ جعفر بہشت گفت ملک
تاریخ وفات شاہ حیدر رح	
شاہ حیدر کہ مظہر حق بود	رازدان وجود مطلق بود
گفت تاریخ نقل اور ضوان	چہ حیدر بگوثر در ضوان
تاریخ حلت شاہجان بادشاہ	
خرد تاریخ نقلش چون گہر سفتہ	چہال خلد بادشاہ جہان گفت
تاریخ وفات شیخ چہال الدین محدث رح	
عالم بد نظیر شیخ چہال	عارف ذات ایند و متعال
عقل تاریخش از شواہن خلد	گفت دادہ چہال رونق خلد
تاریخ وفات شیخ الہداد قادر کارج	
شیخ الہداد بود واصل حق	ماہ پنج مغیہ و مطلق
عقل تاریخ نقل آن مسعود	ز در قم قدوہ مشایخ بود
تاریخ وفات میرزا ابونظر متخلص بصرہ	
انکہ در دہر نادور العصر است	بہگان میرزا ابونظر است
گفت تاریخ نقل او ابرار	چہ ابونظر حنبت و انداز

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

تاریخ شیخ معصوم سہروردی راج

قطب دین شیخ محمد معصوم	عشرم جون سو جنان زمرود
سال نقلش خسرو مظہر حق	زدرقم قطب مشایخ بود

تاریخ وفات حضرت شیخ زاہد رحم

سید بنہ نظیر زہد بود	از توجع بشرع جاہد بود
سال نقلش بحرین بالاشد	چہ زاید بہشت والاشد

تاریخ وفات حضرت شاہ نعمت اللہ تالوکی رحم

شاہ حقان پناہ عالیجاہ	نعمت اللہ مظہر اللہ
گفت تاریخ نقل او ایام	نعمت اللہ مہدوں مدام

تاریخ حضرت میر فیض اللہ بن میر ابو اعلیٰ راج

قطب آفاق میر فیض اللہ	جعل اللہ فی الجنان مشواہ
سال تر جیل او سرورس الہ	گفت زیب جنان بفضیل اللہ

تاریخ وفات قاسم خان

قاسم شیر بود قاسم جان	شد ز دنیا بر پنج شعبان
گفت تاریخ نقل او رضوان	چمن عدن جا قاسم جان

تاریخ وفات شیخ برہان شطاری رحم

شیخ برہان کہ عارف حق بود	مخود ذات پاک مطلق بود
سال نقلش خرد عیان و نہفت	صاحب ملک خلد برہان گفت

تاریخ وفات میرزا حسن بیگ معروف بھونی

عارف حق بن و بہ حق اشتنا	بود حسن بیگ بھدق و صفا
--------------------------	------------------------

سال وصالش خردم حقما	گفت حسن بیگ شید خدا
تاریخ وفات شیخ پیر لکهنوی	
شیخ پیر محمد از دنیا	شد چون مهر منیر سوئی سما
در جمادی دوم ز دنیا شد	جانب اوج صبح والا شد
سال نقلش با شکار و نهفت	شیخ الاسلام بود با تف گفت
تاریخ وفات شاه رفیع سمرلویش	
آن سیادت پناه عالی جباه	که وجودش به غلغله غلغله
سال تاریخ نقل او خسروان	گفت سید رفیع زبده غلغله
تاریخ وفات شاهزاده سلطان محمد بن	
حضر نادر داور او یاک از چشم جهان	در زمین چون گنج ز سلطان محمد بن
در دوشنبه هشتم شوال سال نقل او	شد قم سلطان محمد حبیب خلد و جنان
تاریخ وفات میر محمد عاقل بن میر محمد صالح بن	
رجه تعدادی جهان میر عاقل	که موصوف بوده به نیکو خصما
زرد گفت سال وصالش بنظر	بجنت بود مسکن میر عاقل
تاریخ وفات شیخ عبدالرشید رح	
شیخ عبدالرشید عارف حق	بود بیشک به هم دولتش خجسته
عقل تاریخ نقل آن مرحوم	جاء عبدالرشید بهت گفت
تاریخ وفات میر محمد زمانی	
چون از دنیا گذشت آن مرید	بسیاری خلعت یا خرت و نهاده
رقم ز سال نقلش بنظر الحق	ز دنیا چیده بهت شد آه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

تاریخ وفات قاضی قربان

قاضی که بحق همیشه راضی بوده	پشتاش مگر بعد ماضی بوده
تاریخ گذشتن محمد قربان	گفتم که بسا عزیز قاضی بوده

تاریخ وفات معین الدین محاسب

معین الدین چو شد از دار دنیا	بسوی قصر و کاخ جنت حق
خرد فرمود تاریخ و حاش	معین الدین بخت دارد و نوق

تاریخ وفات حضرت خلیفه ابوالقاسم رم

رفت زین دار فنا جان خلد	آمد بوست بسے نیک شرت
سال نقلش بمهر صوم سرد	گفت ابوالقاسم مصباح بهشت

تاریخ وفات سید لطف الله شهید رم

آن حاجی و غازی و معیار آکا	از نسل محمد و علی است بجا
تاریخ شهادتش رقم زد با قفا	حقایقین شهید شد لطف الله

تاریخ وفات شیخ جلال متورع

حاجی بے نظیر شیخ جلال	بنده خاص این دشت عال
عقل تاریخ نقل آن مغور	ز در رسم شد بهشت جا جلا

تاریخ وفات قمر الدین حسین معصوم رم

قمر الدین حسین عالی قدر	بود و الاثر ادبک سرشت
عقل تاریخ نقل آن معصوم	گفت شد زیب ده بهشت

تاریخ وفات میرمن خوشنویس متخلص شی

شب پنجشنبه تاریخ زیده	روان شد بقصر خندان میرمن
-----------------------	--------------------------

چوپر سید سال وصالش محبان	بگوسید عرشیان میر موسی
تاریخ وفات سید محمد علی نندی	
سلی شده زیغجهان باده رمضان	هم از رمضان تو سال نقلش خوا
تاریخ وفات سید مصطفی رح	
شده از لطف حق مصطفی صدر خلد	بیقرود زو ربه و قد خلد
ز اوج فلک سال نقلش ملک	بکفاز زینی مصطفی بدر خلد
تاریخ وفات شیخ عبد الله مرشد شاه عالم گیر رح	
شیخ عبد الله والا جاده عرفان	بود بیشک حق شناس حق پرست و حق
شده رقم سال وصال آن تعالی و سنگا	بود عبد الله بیشک متقی از اولیا
تاریخ وفات میرزا جعفر رح	
رفت جعفر بسوس والا خلد	یافت از لطف حق تعالی خلد
سال نقلش خرد و بمظهر گفت	جا جعفر مدام باد خلد
تاریخ وفات شیخ محمد زوان متوکل	
محمد زوان ماه برج کمال	برفت گذشت از سر اوج خلد
فلک گفت سال سعیدش	محمد زوان میر اوج خلد
تاریخ وفات حضرت شیخ بایزید خوشی	
چون گذشت از دار فانی بایزید	یافت قصر جاودانی بایزید
سال نقلش مظهر الحق زو در قسم	شده ز افاق آه ثانی بایزید
تاریخ وفات فضائل نیاه مولوی عبد الله رح	
مولوی زمانه عبد الله	عطر الله قبره و ترا ه

روایت
روایت

روایت

روایت

روایت

روایت

روایت

عقل تاریخ نقل آن مفسر	گفت شد خلد جائے عبد اللہ	عقود
تاریخ وفات شیخ طالب		
شیخ طالب کہ طالب حق بود	در محرم شدہ زودینا او	عقود
سال ترحیلش از زبان سرکش	جائے طالب بہشت بیشک گو	
تاریخ وفات خواجہ وقار الشتم محمد خان		
خواجہ وقار محمد خان از بہار فوت	تاریخ فوت او وقار از زمانہ	عقود
تاریخ وفات آقا باقر اصالتی فی رحمہ اللہ		
دوم بود از مرید و دو شنبہ	کہ آقا باقر از دنیا برآمد	عقود
ملک تاریخ فوتش بر فلک گفت	با مہج سلسلہ آقا باقر آمد	
تاریخ میر محمد جان نقشبندی		
محمد جان صدیق بہشتی	چو در سرفان حق شد مطلق	عقود
بکرم از سر اگرار تاریخ	محمد جان بہشتی داصل حق	
تاریخ وفات محمد وصال رح		
بخلد محمد وصال داصل حق	ز حق شنیدند امر جہا و طوبی	عقود
در آن شبی کہ بر آنست سال حلیت	وصال نیر اوج بہشت گفت ملک	
تاریخ وفات نواب شایستہ خان		
مصدق فیض و کرم شایستہ خان	گوی بود و غیض از اجاق برہ	عقود
سال نقل آن امیر با کرام	گفت ثائف اہل خمیر و دادمرد	
تاریخ وفات میر محمد فاضل از برادر زادہ او		
عارف حق نما بحق داصل	نظم حق محمد فاضل	

<p>سمنل از انعام عالی معدن از لطف کرم حامی دین نبی ای ماحی آثار بد پادشاه مسلک لولوی نفیس اورده ام کس نیار دبدب زین بگر دار کس بن همه ابیات پر و می پاک چون این مصرع اول زو سال جلوس پادشاه تا بود باقی حساب روزگار سال شاه ماییده بادو باقی آن شهرزاده</p>	<p>بابها و بادل دین پرور و بر نیز کار ای ولی عالی علم کان کرم کوه و قاف پیر بآن حکم ارکان بجوی و گوش اف بر که دار دگوبیا چنین بکه داری گویا هر کجی بجوی زوی مقصود در زیاد و با از دوم مولود نور دیده عالم بر آ دان حساب از سال ماه روز زود بی حساب و سالیان بے شمار</p>
<p>قصیده مشعر تاریخ وفات سید جلال علی قدس سره از سید رحم رسول بگرانی پسر سید مغفور مذکور که از هر مصرع تاریخ ۱۲۱ و از منقوط و غیر منقوط است جدا جدا تاریخ و با نضام منقوط مصرع اولی با منقوط مصرع ثانی خواه ناله خواه راج خواه هر مصرع که باشد علیحدہ تاریخ است و اگر غیر منقوط را با غیر منقوط بهین طریق با هر مصرع که خواهی ضم کنی و نیز منقوط را با غیر منقوط خواه غیر منقوط را با منقوط از هر کلام مصرع بهینگی در هر صورت سه مذکور جدا گانه بر می آید چنانچه</p>	<p>اسوه ملک سعادت قبله بر از سن داور امجاد دلت نامدار قافلان سرور احلم قفان مشوای امجد اسلم صحاب صولت رخت این جهان محرم مجد و علا و عیش اسن و امان عالم نقد صواب و سجد گاه رخت</p>

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين واهل
بیته الطيبين الطاهرين
الطهاره

شاه اسلام جلال و صاحب رشد و کمال	بسم الله الرحمن الرحيم	عمده مهر و عطا مقبول و جلال عطا
محسن الامکان مستوجب و قدر عطا	بسم الله الرحمن الرحيم	اجود صاحب نعت کام کار جهان
داور اجماع و ورش و کعبه شاه و گدا	بسم الله الرحمن الرحيم	سرو اقطاب و الا اهل جاه و شان
قطب و اهل استرام و جود مل و قطار	بسم الله الرحمن الرحيم	اکمل دهر امانت نور اقطاب جهان
مرشد اصحاب کامل شاه اهل مجد و علم	بسم الله الرحمن الرحيم	معون مهر صداقت اجود صاحب لادن
عارف حق پیشوا اهل کام و جا و قدر	بسم الله الرحمن الرحيم	احسن اصحاب صدق و تاج اهل صالحان
حامی آفاق رحمت بوجوب مهر و علم	بسم الله الرحمن الرحيم	سرو ابدال جاه و قدوه و ندرستان
صادق و کامل و لا وقت و صاحب کمال	بسم الله الرحمن الرحيم	عالم مقصود عرفان پیشوای اجداد
جان بداور و اهل کفایت و اهل ظهور	بسم الله الرحمن الرحيم	صاحب علم و شفا و مصلح امر جهان
گفت بالا سال میر انچه و مولای صدق	بسم الله الرحمن الرحيم	یافت سبحان را امام دیر و اهل جهان

تاریخ اهلن بایکون پادشاه و پادشاه زاده روم

دولت چو سر بزرگ و فتح و غنای	از رخ کشورش ابرامان نقاب
بر سنده سرور کی شاه کامران	دارا راقاب سیر نرنگ جناب
طهاسب خان شاه جهان شاه نشین	پیر کار و ار نقطه کل بعد بو تراب
از یک طرف پای بایکون که کامران	جست از یک گشت او گشت کامران
از جانب دیگر خلف پادشاه روم	از پادشاه و سر خود بود بر سر کامران
تاریخ آن زمان بسیدم ز غفلت	بوسید کامجوی جوان بر ار کامران
تاریخ این مقایسه کردم سوال گفت	ما عجب رسید بپادشاه ارقاب

۹۵۲
۹۵۳

تاریخ تعمیر قصر سلیمان شاه از مرزا ابی نعیم آبادی که از هر صبح شش مرتبه بر میآید

چون شاه سلیمان شاه اقبال بلند	شد بلای این سکن بهجت پیوند
-------------------------------	----------------------------

۹۵۴

از جشن و نشاط و کامکاری و ایم	در کجای پادشاه دولت مند	۱۰۰
از مرزا طاهر تاریخ	نهر هزار جریب	
شاه عباس انکه آب زندگ	باغ عمرش را گل شادی دید	
تا بیکم شاه آب آمد باغ	آب باغ از بهر تار بخش رسید	۱۰۰
تاریخ مدرسه میر علی شیر		
چون در وقت میر با علم و ادب	فرمود مرا افاده اهل طلب	
چون در ششم ماه کرد اجلاس	تاریخ طلب از ششم ماه جیب	۱۰۰
تاریخ وفات تیمور		
تیمور که پسر خ پیر ادا کن	در خون عدد درو زمین گلگون کرد	
در نه شه شعبان سو طین تاج	فی الحال در ضوان سر و پا پیر کرد	۱۰۰
در وفات سلطان ابوسعید گورکان		
سلطان ابوسعید که در خست	چشم سپهر پیر جوان چو او ند	
الحق چکو دگشته نگشتی که گشته بود	تاریخ قتل منقل سلطان ابوسعید	۱۰۰
تاریخ وفات شاه بابر صوری و معنوی		
تاریخ وفات شاه بابر	در نه صد و سی و پست بوده	۱۰۰
در وفات بایون پادشاه		
ز بام قصر خود افتاد ناگاه	وزان عمر عزیزش رفت بر باد	
پے تاریخ او کای رسم زد	بایون پادشاه از بام افت	۱۰۰
در وفات شاه اسماعیل		
شاه و شاه و شاه میکشید بر	من جان الفاظ را تاریخ نوش	۱۰۰

<p>در وفات علی ششم</p>	
<p>چون نازل شد الوار حجت برش</p>	<p>یک سال فوتش ز الوار حجت</p>
<p>در شهادت میر محمد یوسف صدر شاه اسمعیل</p>	
<p>چون میر محمد خلف ال عبا</p>	<p>از دار فنا رفت سوی دار بقا</p>
<p>تاریخ شهادتش قسم کرد قضا</p>	<p>والله شهید هو حی الی الی</p>
<p>استقول است که این تاریخ را خواهر صفی در فوت خود گفته ر ۶</p>	
<p>سالی که رخ آصفی به قضا نهاد</p>	<p>به قضا تمام کرد و از پای قضا</p>
<p>شد در به قضا مصرع تاریخش</p>	<p>پیموده ره بقا بگام به قضا</p>
<p>طایفه کاشفی در تاریخ اخلاق محسنی که خود تالیف نموده گفته</p>	
<p>با خامه کفتم ای که ز سر ساقی قدم</p>	<p>وز مقدم تو چشم سخن یافت روی</p>
<p>اخلاق محسنی بجای نوشته</p>	<p>تاریخ هم نویس ز اخلاق محسنی</p>
<p>مولانا دشتی یزدی در تاریخ مشهور بنابر منظومیک مصرع گفته که چرا</p>	
<p>تاریخ ازو بنظر میرد نقطه دارد بی نقطه و الفاظ متصل و منفصل</p>	
<p>کتاب ناظر و منظومین که بر پیش</p>	<p>ز آسمان کمال است آیتی منزل</p>
<p>چو درس دولت و اقبال میرسد نظم</p>	<p>ازین کتاب که در میثا لیست مثل</p>
<p>سند که از پی تاریخ و نظم ویر گویم</p>	<p>دبی نظام در درج دوس درج و جل</p>
<p>که کشای خیالم ز مصرعی که گذشت</p>	<p>چهار عده تاریخ میکنند سجل</p>
<p>یکی ز جمله سرفرونی که دخیل نقطه است</p>	<p>دوم از آنچه در روایت نقطه راجل</p>
<p>سوم از آن کلماتیکه وصلند به سیم</p>	<p>چهارم آنکه در آینه عکس آن لعل</p>
<p>تاریخ صلح قیصر و شاه طهماسب از قاضی محمد رهی مختص</p>	

۶۰۶

۶۰۷

۶۰۸

۶۰۹

۶۱۰

پادشاه روم و شهبه کامگار	صلح چون کردند به هم اختیار
از پنهان تاریخ گرفت قسم سلم	تازه شد از ملک زری این رقم
منهی اقبال درین کهنه دیر	غلغله افکند که الصالح حین

وله تاریخ بنای خانقاه پادشاه اکبر

آن خانقاهی که سوده بر چرخ شمس	فرمود بنیادش بهر بجزش
تاریخ بناست خانقاه اکبر	دروازه خانقاه تاریخ درش

تاریخ فوت غزالی مشهور منجم

قدوه نظم غزالی که سخن	همه از طبع خدا داد نوشت
نام زندگی او ناگاه	آسمان به ورق باد نوشت
عقل تاریخ دفاتش بدو طور	سینه به صدو هفتاد نوشت

از سر خوش در الفاظ هم عدد

بهر حسب موافقت چو کردیم نظر	آمد بعد و نینسز موافق یکسر
نخلی غم و یاس و بویس سهو و حساب	عامی اعمی عشق دوست مهر و داور
سر خوش عجب این دگر که از روی	افتاد بتعداد موافق در باب
شعر و کشته و فقر و عیش و کل می	قرب و مشبه و سیر و ندی و اوج و خاست
سر خوش عجب اینکه از اتفاق بید	افتاد موافق بحساب ابجد
ناز و محبوب و عاشقی و آفت	بی عقل و دراز و فتنه و کونه قد

تاریخ وفات طالب طیم از غنی

حیف که دیوار این گلشن پرید	طالبان آن بنیل باغ غنیم
عمر نادر یاد او زیر زمین	خواب بر سر کرد قدسی و سیم

و

و

و

عاقبت از اشتیاق یکدیگر	نشانی از برتربری و کرامت
گفت تاریخ وفات او غنی	طوری که در متن آن کلمه

۱۰۰

تاریخ وفات اکبر بادشاه از اصفهان

فوت اکبر شد از قضای اله	گشت زاری و فرستاد اکبر
-------------------------	------------------------

۱۰۰

تاریخ وفات جهانگیر بادشاه

شهنشاه جهان شاه جهانگیر	آرامش در این تاریخ است
چون نورالدین محمد بود که تر	در این تاریخ
ازین ماتم سرا چون رفت بربست	در این تاریخ
چون تاریخ وفاتش جست کشفی	در این تاریخ

۱۰۰

از عجب الجلیل در تاریخ

چو شد ابراهیم زیر خنجر آورد	در این تاریخ
قلاع گرد شد مفتوحه خال	در این تاریخ
ز انشتان شد بر عقده از باد	در این تاریخ
بغیر بود شکل سلسله بزرگ	در این تاریخ

۱۰۰

تاریخ عزل حکیم محمد از تاریخ

امراء حکیم از دنیا رفت	تاریخ بجز در این تاریخ
از حکیم شد بر گیر	در این تاریخ

۱۰۰

تاریخ تولد شاه جهان بادشاه که از پسر محمد است

۱۰۰ خدا وجود و بقا دارد عالم امکان	۱۰۰ بر آید شد و بیاورد
۱۰۰ ز لطف یزدان در عدل وجود یافت	۱۰۰ بود و نبود در این تاریخ

ملح والا آمد از تعداد و حیدرون نصیر	شوگر هر پنج دعای شنه زعفران
تار و جلاش پنجم فلک لاجه و اوج	باشد از زمین عطا آیزدی بی اشتباه
از جلوبس میمنت مانوس با صد شله	ثانی اگر درون دلم اوز رنگ باد ایا اله

۱۵۱
۱۵۱
۱۵۱

فجر الواصلین تاریخ وفات حضرت طبر عالم رحم

مولفه

قلندر بود شاه طبر عالم	از عالم ظلمت گرفت است از دور
چون جسم وصلش از رحمت حق	شنیدم ناگهان نور علی نور

۱۵۲

تاریخ حضرت بابا فخر الدین رح ملوفه

آن قلندر که بابا فخر الدین	دافع شبه و رنهای یسین
رفت چون بخت الیسین را حق	گفت تا تف قلندر بر جسط

۱۵۳

تاریخ حضرت قادر ولی رح ملوفه

آنکه قادر ولی ولی الله	هست قطب زمانه سال
قرب حق یافت چون از روح حق	غوث به لوت بود مبارک

۱۵۴

از باقرگاه تاریخ حلت حضرت شمس البوکی رح

رکن دین شاه ابو الحسن قربی	پیشینوا مقرران اله
چون که دریافت قرب حق سالش	غاب قطب البلاد گفت آگاه

۱۵۵

تاریخ حلت حضرت سید محی الدین ذوقی رحته الله علیه

سرافراد محی الدین ذوقی	که فیض دست بر ابدال او تا د
------------------------	-----------------------------

چون و اصل شد بحق سال صالحش
این گفته که غالب قطب الانجاد

۱۵۶

تاریخ رحلت حضرت شمس الموحسن قادری خلیفہ دہلی

شہ از بطان حضرت روان الحسن
در آمد به مغرب سر آفتاب

تاریخ رحلت مولانا عبدالحق علی صاحب العلمارح

چون رفت از جهان فاضل نامور
خبر گفت تاریخ سال وفات

تاریخ رحلت حضرت مولوی باقر آگاه

چون رفت از دار دنیا بست آگاه

پس تاریخ آن از در و جان آگاه

بلغنا از سر ماتم آگاه

تاریخ وفات ملک المفسرین سند الیومین قدوة

مقیمان مقام قباب قوسین او ادنی زبده واقفان اسرار

و فی قتل مولانا حضرت شاه عبدالغنی و مملو رحمة الله علیه

شاه عبدالعزیز فخر جهان

حامی دین محدث و حافظ

مشہور در عرب بشمس الهند

از قضا آن محقق والا

صبح یکشنبه ہفتم شوال

روح پرواز شد بسو جان

گفت ای نکته سنج قلعہ دین	من ہجری چوبستم از رافت
از احد تا الف زین عنوان	سال فوتش ز ہر عدد پید است
اولا چار چند کن پس از ان	خواہی از ہر عدد کہ تاریخش
پس کن طرح بست است ای جان	یکہ نیز او ضرب کن در وہ
ضرب فرما تو ای فہیم زمان	در عدد بست و چار باقی را
خوت آن مختر زمین و زمان	پس بقصان یک عدد در یک

تاریخ غیب شدن حضرت سید محمد سلطان مجاہدین رحمہ اللہ

کامن الذات مجمع البرکات	سید احمد کہ بود آل نبی
باکرامات کفہ اند ثقات	عابد اللہ بود آن عارف
پیشواے مجاہدین بہ عرات	سومین یا امیر شد لقبش
کشت منسوب لشکر آن ذات	چہ کہ غالب ارادہ اللہ بود
غاب قطب الانام گفت حیات	غیب از ان شد سن از میان

تاریخ شہادت مولانا اسماعیل شہید رحمہ اللہ

حاجی و حافظ محدث غازی و شہساز	انکہ اسماعیل فاضل جامع و کمال
قرۃ العین سمر چشم و چراغ روزگار	نام چہ از ذبیح اللہ در اسم و صفت
بن ولی اللہ بن عبد الرحیم نامدار	دارش ... ابن عبد الغنی
مجاہد سبیل اللہ سلطان الحیا	تاک ... کہ

تاریخ وفات حضرت احمد علی رحمہ اللہ

کہ روشن تر چراغ دین از وہود	الی احمد علی پیر دین
چراغ دین شرعہ سرود و الود	چون ... گفت شمش

تاریخ وفات سید سندی حضرت میر محمد علی واعظ رح

نام: محمد اسماعیل نام نامی	آریه آن واعظ شیرین کلامی
بشرع و معرفت ہم پیشوا	حکایت رسول و مرتضی برد
فرید العصر محمود	عبدالدیر بغوط افاض
در گفتا که غایت	ابو و اصل شریقی آن نیکو بقا

تاریخ وفات حضرت محمد المعروف به خان عالم خا

جام و فاضل و رئیس	آمنه دار حضرت فاروق
یادگار جهان	نام نایش خان عالم
سند آریه سندی	یکماست علم صدر نشین
رفت زینجا برگر	یوز بخشنه بست و یکم صوم
مرقدش نور جائے	سال نقلش گفت ارض و سما

تاریخ وفات حضرت سید حاجی محی الدین رح لمولف

کفیف اولو دیر نه صفت	جناب حاجی محی الدین ساد
ذا آمد غاب قطب	چون زین دار الفنا و مودرت

تاریخ وفات مفتی امین الدین حافظ رح لمولف

حای شہر و حافظ و قی بن	مفتی مولوی امین الدین
گفت مفتی کہ رفت مفتی دین	رفت بر لب چون ازین عالم

تاریخ وفات مولانا مولوی اسمی رح لمولف

اسم لقبش بہر زبان رفت	اسم فاسراج
فیاض نان چو از میان رفت	فیاض و صدم ذو القانف

محمد اسماعیل

محمد اسماعیل

محمد اسماعیل

محمد اسماعیل

محمد اسماعیل

سریب نش گفت نواب	نواب هم اندرین زمان رفت
تاریخ رحلت قاضی القضاات مصطفیٰ علی بن خوشدل	
چون بملک بجازدارف	رفت اقضی قضاات و بحر علوم
فکر سال وفات او کردم	شده تاریخ خوشدل مرحوم
تاریخ رحلت اراضا علی بن جشتود مولود	
آگاه علامه علوم الدین	مولوی اراضا علی خان بود
فاضل و هر قاضی القضاات	متخلص بحال خود جشتود
علم منقول با فروغ و همی	بود معقول او بگفت و شنود
رخت بربست چون ازین عالم	عالمی را کمال غم افروود
گفت مشتاق سال رحلت	با دل خوش بگو که شد جشتود
تاریخ مولوی جمال الدین مرحوم	
چون جمال الدین مولانای ما	کرد رحلت از سر کعبه بقا
پهر سال رحلتش آمد ندا	فاد خلی فی جنتی حکم قضا
تاریخ نواب حیدر علی خان بهادر	
زیر کنیز گز شکوه بنا	فلک زیر و ستیش بود در علو
بود شمع اش نور چشم فلک	تقریفته ضو و تقسیم ازو
تراوش کند بهر رحمت ز خاک	گروه ز کمر و بیان گسرداد
چون بیند صبح تازه آب چشم	نمودم ز روحانیاں جنت و جود
که این شاه آسوده را نام چیست	چه تاریخ رحلت نموده است او
یکی زان میان گفت تاریخ و نام	که حیدر علی خان بهادر بگو

۱۲۴۳

۱۲۴۳

۱۲۴۳

۱۲۴۳

۱۲۴۳

تاریخ شهادت شیخ سلطان شهید رح

شاه با چون بملک برتر شد	و نخل مجلسین میسر شد
روح قدسی برش گفت که آه	نسل حیدر شهید اکبر شد

تاریخ نواب محوط خان مرحوم

چون غلام حسن شهادت جنگ	رخساره است زین جهان ناگاه
گفت تاریخ نافه صادق	جعل عقد جنته مشوا

تاریخ دفن نواب والا جاده مغول مولو

آن کریمکه رفت والا جاده	بود مسکین نواز بدینج
شد چون خیرات برهم از دست	گشت تاریخ سال او تاریخ

تاریخ نواب عمده الامرا مرحوم

خواب عمده الامرا بهادر	چو شد بر جان عالم عمده داغ
جهان چون بچراغ از غوث شد	از انجا سال غوثش بچراغ بست

تاریخ نواب عظیم الدوله مرحوم

چونکه نواب عظیم الدوله	رفت و در خلد بن کرد و
از سر در دگر بگفت تاریخ	حیف بود و دلون بسدم

تاریخ نواب اعظم جاده مرحوم مولو

امیر بهند اعظم جاده نواب	سوی دار البقا چون گشت رحل
نمودم جنت و جوسال وفاتش	سر دوشم گفت ناگه داغ بر دوش

تاریخ جلوس نواب علام غوث خان بهادر

راون محل تا مضیض ترین	سر غوث تان بیست گرفت
-----------------------	----------------------

تاریخ صلت لؤاب غلام غوث خان مرحوم	
چون ابرگر دادی و منت نشتر دی اگاہ شنیدیم کہ مظلوم مبردی	چون ہر زرسرخ بہر ذرہ سپرد پر در دہ احسان تو افسوس چہ ستم
تاریخ کتاب لمولفہ	
کہ فی الواقع درین اوراق آمد ز معشوقیکہ آن عشاق آمد ز اہم کردہ مشاق آمد سنین صلت عشاق آمد	زہر این مجمع تاریخہا نیست بحال عاشقان کشتگانست سنین و سالکھا و صلت شان بہ نزع سال تالیفش چو بودم
ط	
یکی از مجاہد مولف کہ نام فائیش جہانگیر خان خلف عبداللہ خان سورتی است عمارت تازہ سہ منزلی لشکر گاہ بنگلور تعمیر کردہ تاریخ اواز ہندی فکر کردہ بود چنانکہ	
کہین لامکان جو عز و جل ہے شفیع امت از روز ازل ہے طفیل حضرت شاہ رسل ہے جہانگیر ایک عالم مین مثل ہے بہ لشکر گاہ بنگلور آپ بلی ہے کہ ہر یک مصرع اسکا با عمل ہے	تعالی اللہ وہی قیوم دایم محمد مصطفی ہر دوسرا مین پہی مقصود حمد و ثنات کے بعد کہ عبداللہ خان سورتی سے بنائی اُسنے یک تازی عمارت کہا ہی جسکی یک تاریخ عشاق
دیکھو اس کلخ پر کاغہ بدن	یہ دولتیانہ ہو مشہور افغان
۱۲۷۸ شہین نقشہ شاہ دی محل ہے ۱۲۷۹	۱۲۷۸ خجستہ دور اسکا یعنی تاریخ ۱۲۷۹

دعوت

دعوت

تاریخ شهادت شیخ سلطان شهید رح

شاه ما چون بهک برتر شد	در محل مجلس میسر شد
روح قدسی برش گفت که آه	نسل حیدر شهید اکبر شد

تاریخ نواب محفوظ خان مرحوم

چون غلام حسن شهادت جنگ	رفت بر لبست زین چیدن گاه
گفت تاریخ مؤلف صادق	جعل الله خسته مستواه

تاریخ دفن نواب والا جاده مغویه لموت

الآن که مسکه رفت والا جاده	بود مسکین لوازه بی تیغ
شد چون خیرات بر هم از دست	گشت تاریخ سان او نارنج

تاریخ نواب عمده الامر مرحوم

جناب عمده الامر بهادر	چو شد بر جان عالم عمده داغ
جهان چون به چراغ از فوت او	از انجاس نوشتش به چراغ است

تاریخ نواب عظیم الدوله مرحوم

چونکه نواب عظیم الدوله	رفت و در شکست برین گردید
از سر درو بگفت تاریخ	حیث افند دستون سلام

تاریخ نواب اعظم بجاه مرحوم لموت

امیر الهند اعظم بجاه نواب	سوی دار است چون گشت در آن
منوچهر جت و جوسان و زواتش	سر زخم زده تا داغ بر دل

تاریخ جنوس نواب علاء عیون خان بهادر

ز این محل تا عطیه ضی این	سر غوغا بین ریاست رفت
--------------------------	-----------------------

<p>تاریخ رحلت لؤاب غلام غوث خان مرحوم</p>	<p>چون ہر زرخ بہر ذرہ سپرد</p>
<p>چون ابر گہر دادی و منت نہ شردی ما گاہ شنیدیم کہ مظلوم ببردی</p>	<p>پروردہ احسان تو افسوس چو زانو</p>
<p>تاریخ کتاب مولفہ</p>	<p>تاریخ کتاب مولفہ</p>
<p>کہ فی الواقع درین اوراق آمد ز مشوقیکہ آن عشاق آمد ز اہم کردہ مشاق آمد سنین حلت عشاق آمد</p>	<p>زہر این مجمع تاریخ نہایت جلال عاشقان کشتگانست سنین و سالک و صلیب شد بہ نزع سال تالیفش چو بودم</p>
<p>ط</p>	
<p>یکی از محبان مولف کہ نام ہمیشہ جہانگیر خان خلف عبداللہ خان پورتی است عمارت تازہ سہ منز لہ بشکر گاہ بگلور تعمیر کردہ تاریخ او از ہندی مکر کردہ بود چنانکہ</p>	
<p>کلین لامکان جو عز و جل ہے شفیع امت از روز ازل ہے طفیل حضرت شاہ رسول ہے جہانگیر ایک عالم مین مثل ہے بشکر گاہ بگلور آب بل ہے کہ ہر یک مصرع اسکا با عمل ہے</p>	<p>تعالی اللہ وہی مبسوم دایم محمد مصطفی ہر دوسرا مین یہی مقصود حمد و ثناء کے بعد کہ عبداللہ خان پورتی سے بنائی اُس نے یہ تازی عمارت کہا ہی جسکی یک تاریخ عشاق</p>
<p>و یکھو اس کاخ پر کارغہ بنی</p>	<p>یہ دو لٹخانہ پر مشہور افغان</p>
<p>۱۲۶۸ مشین نقشہ رشادی محل ۱۲۷۱</p>	<p>۱۲۶۸ خستہ دور اسکا یغی تاریخ ۱۲۷۸</p>

